



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نامبر: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹-۰۱ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳۰-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۱۷ اذان صبح فردا ۴:۴۸ طلوع آفتاب ۶:۲۱

نقد و فرهنگ

اضطراب دروازه‌بان هنگام ضربه پناالتی *



روبرت صافاریان

■ «پائولین کیسل» منتقد فیلم آمریکایی گفته است که جذابیت سینما ارتباط اندکی با هنر دارد. پس این جذابیت در چیست؟ در اینکه ما می‌توانیم به یاری تصویر سینمایی به جاهایی برویم-که در واقع نمی‌توانیم. دیوار چین را ببینیم. به فلان قله مرتفع در فلان کشور دوردست برویم. به لندن برویم و به استودیوهای المپیک. و از جاهایی بازی‌ها را ببینیم که به عقل جن نمی‌رسید. یک آن درست پشت تور دروازه فوتبال ایستاده باشیم، آن دیگر از گوشه حلقه بسکتبال شاهد دستی باشیم که توپ را در آنجا می‌دهد، همراه شناسگرا زیر آب برویم و رینگ کشتی را درست از بالا ببینیم. تازه کند ببینیم، تند ببینیم، همراه موسیقی ببینیم. تصاویری از بازی‌های گوناگون یا لحظه‌های گوناگون یک بازی را پشت سر هم ببینیم... و مهم‌تر از همه، جزییات چهره قهرمانان ورزشی را از نزدیک نظاره کنیم

این گونه تماشای یک رویداد که بدون اختراع دوربین فیلمبرداری و اختراع مونتاژ امکان‌ناپذیر می‌بود، آنقدر برای ما عادی شده است که اصلا به وجه جادویی و شگفت‌انگیز آن توجه نداریم. این تماشا، تماشای دیگری است که با چشم عادی و با حضور در ورزشگاه‌ها حاصل نمی‌شود و البته همیشه، هم از نظر تعداد بیننده و هم سرمایه‌ای که در حوزه خرید و فروش آن در گردش است، بیش از اهمیت ورزشگاه‌است.

باری، مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین برای من در این میان چهره ورزشکاران است پیش از آغاز مسابقه. آنجا، یک ثانیه دیر و زود پرش شناسگر در آب یا استارت دو، می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد؛ چهره‌های ورزشکاران در نخستین حضور در بازی‌های بین‌المللی در حالی که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به نظاره‌شان نشست‌ه‌اند و به‌خصوص هموطنان‌شان از آنها انتظار دارند پیروز میدان باشند. چهره‌های اکشن. چهره‌هایی که تجسم بیشترین تمرکز حواس و فشرده سالیان دراز تمرین و ممارست را در خود به نمایش می‌گذارند. چهره‌های شاد بعد از پیروزی و چهره‌هایی که گویای اضطراب هستند و نگرانی از پیش‌بینی‌ناپذیری نتیجه. در ایسن چهره‌ها، درامی انسانی در جریان است که صدردصد مستند است. برای من آن چهره‌های مضطرب و به‌خصوص در رشته‌هایی که قهرمانانش خردسالند، پرسشی نیز درباره عقلانیت ورزش قهرمانی پیش می‌کشد. همه تماشای شگفت‌انگیزی که گفتیم به پهای گراف فشاری غیرانسانی بر آدم‌ها به دست می‌آید. در اینجا هدف ورزش دیگر سلامتی نیست، می‌دانیم که ورزشکاران سطوح سافهرمانی در درازمدت لزوما آدم‌هایی نیستند که از نظر سلامت جسمانی و روانی نمونه باشند. هدف نمایش است نه سلامت؛ نمایشی بزرگ در سطح جهانی که تکنولوژی نو امکان‌پذیر کرده است. این ورزشکاران با خروج از مرزهای تعادل برای دست یافتن به آنچه موقعیت و شهرت نام گرفته است، خود را فدا می‌کنند تا ما لحظاتی حظ بصری ببریم. هدف تماشااست. هدف اسپکتکل spectacle است، که شاید بتوان «چشم‌انداز تماشایی» ترجمه‌اش کرد. همان که در سینمای معاصر نیز می‌گویند بر عالم غالب شده است. اما این تماشا به کلی عاری از روایت نیست؛ سادترین روایت‌ها. کی می‌برد و کی می‌بازد؟ کی اول می‌شود؟ کوشش در راه پیش‌بینی اینکه آیا قهرمان به هدفش می‌رسد یا خیر؟ و شخصیت‌پردازی نیز. آن یکی ورزشکار خوش‌اخلاق. آن یکی نامرد. آن یکی زیبا و آن یکی زشت. آن یکی قیافه‌اش به روستایی‌ها می‌خورد این یکی خونسرد است و آن یکی... و

اطلاعاتی از زندگی شخصی مشهورترین قهرمانان که خوراکش را رسانه‌ها فراهم می‌کنند اعم از دستمزد فوتبالیست‌ها تا ازدواج و دیگر مسایل زندگی خصوصی آنها، مثل یک سریال بزرگ. و ما به ندرت متوجه پیچیدگی و یتکابی این تجربه هستیم که فارغ از ارزشگذاری، ۲۰، ۳۰سال پیش، به این گستردگی امکان‌پذیر نبود. و اما ماجرای خروج از مرزهای عقلانیت و تعادل- نه تنها اسپکتکل‌های بزرگ که همه کارهای قهرمانی و رویدادهای تاریخی شگفت‌انگیز محصول خروج از تعادل و نوعی دیوانگی هستند. آنجا که به نظر می‌رسد بشر روز به روز بیشتر به عقلانیتی رو آورده است، در واقع عاقلانی‌ترین رویدادهای را به وسعتی که در تاریخ بی‌سابقه است، سازمان می‌دهد.

■ **نام نمایشنامه‌ای به قلم پیتر هانتکه و فیلمی به کارگردانی ورنر هرتزوگ براساس آن**

شرق

برنده مدال نقره خوشحال تر است یا برنده مدال برنز؟ همه چیز در رقابت‌ها خلاصه می‌شود

گروه علم: به نظر شما مدال طلا دلچسب‌تر است یا مدال نقره؟ حتما فکر می‌کنید پاسخ این پرسش بسیار بدیهی است، مدال طلا بله، مدال طلا افتخار بیشتری به همراه دارد و باعث خوشحالی بیشتر ورزشکار و خانواده و طرفداران می‌شود. اکنون این سؤال را می‌پرسم که مدال نقره دلچسب‌تر است یا مدال برنز؟ باز هم فکر می‌کنید مدال نقره شیرین‌تر است؟ حتما این‌طور تصور می‌کنید که برنده مدال نقره رضایت بیشتری از عملکرد خود دارد! راستش ما هم تاکنون مثل شما فکر می‌کردیم، اما گویا واقعیت چیز دیگری است. در نگاه اول این‌طور به نظر می‌رسد که برنده‌ها باید از همه خوشحال‌تر باشند، چرا که مدال المپیکی را به دست آورده‌اند که بقیه از آن بی‌نصیب مانده‌اند. اگر به این موضوع ساد‌ه نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که مدال طلا از همه بهتر است و برنده آن هم باید خیلی خوشحال باشد، بعد از آن برنده مدال نقره قرار دارد که رتبه دوم را به دست آورده و در آخر هم برنده برنز قرار می‌گیرد. اما شاید این برداشتی است که بینندگان و طرفداران تیم‌ها دارند. وقتی تیم یا ورزشکار محبوب ما دوم می‌شود نسبت به زمانی که سوم می‌شود، بیشتر خوشحال می‌شویم. اما در بین خود ورزشکاران هم همین‌طور است؟ آیا برنده مدال نقره از برنده مدال برنز راضی‌تر و خوشحال‌تر است؟ شاید عجیب باشد، اما محققان بر این باورند که در واقعیت اصلا این‌طور نیست.

هرچند این موضوع برای ما تعجب‌آور است، اما برای متخصصان روانشناسی و به‌ویژه روانشناسان ورزشی اصلا این‌طور نیست. روانشناس مدت‌هاست که متوجه شده‌اند که تفاوت فاحشی در واکنش‌های هیجانی ورزشکاران برتری که به مقام دوم و سوم می‌رسند، وجود دارد.

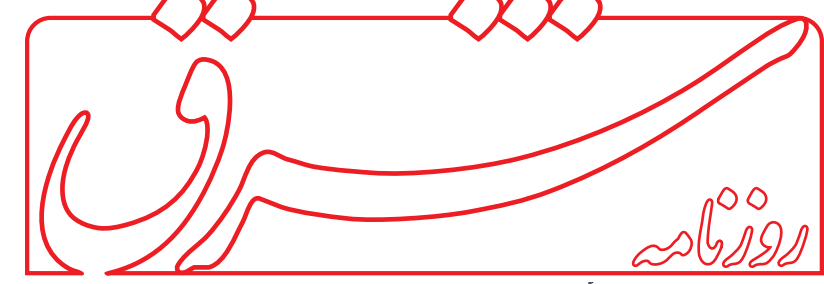
محققان در بررسی‌های خود در زمان المپیک ۱۹۹۲ دریافتند افرادی که برنده مدال نقره می‌شوند

ستاره‌های سینما به لندن رفتند اما به المپیک نرفتند

خبر آنلاین: براد پیت، پنه لویه کروز و میشلل فاسبندر همگی این روزها در لندن هستند اما نه برای تماشای مسابقات المپیک. عده زیادی از ستارگان هالیوود از جمله پیت، کروز، فاسبندر و کریس پاین درحالی این روزها در پایتخت بریتانیا به سر می‌برند که در حال بازی در فیلم‌هایی با سرمایه آمریکایی هستند. فهرست ستارگان سینمایی که این روزها در لندن هستند با نام بازیگرانی چون ون دیزل، بیل واکر، دواین جانسن، کامرون دیاز، نیکلاس کیج، خاویر بارد، آن جاسن و کلونه گریس مورتز تکمیل می‌شود؛ بازیگرانی که همگی برای حضور در فیلمی سینمایی محصول هالیوود در لندن هستند و کاری هم به بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ ندارند.

«فیلم لندن» ژانس دولتی این فهرست را در جریان رویدادی با حضور شهردار لندن اعلام کرد. این رویداد نمایشگاه «طراحی ۵۰۰۰۷ سال سبک باند» نام دارد که برای گرم‌یادداشت جیمز باند، معروف‌ترین کالای صادراتی بریتانیا برگزار شده بود. آدرین ووتن، مدیر اجرایی ارشد «فیلم لندن» از «سریع و خشمگین ۶»، «مشاور» به کارگردانی ریدلی اسکات، «جک رایان» به کارگردانی کنت برانا و «زن بهادر ۲» به عنوان فیلم‌هایی یاد کرد که در حال فیلمبرداری در لندن یا حومه آن هستند.

ریدلی اسکات کارگردان «گلادیاتور» هم این روزها در لندن مشغول فیلمبرداری «مشاور» با بازی پیت، فلیسندر، پنه‌لوپه کروز، کامرون دیزاز و خاویر بارد است؛ فیلمی با حضور چند ستاره بسیار محبوب. «فیلم لندن» از این فیلم که فیلمبرداری آن در جریان بازی‌های المپیک جریان دارد، حمایت کرده است.



شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۱، ۲۲ رمضان ۱۴۲۳، ۱۱۱اگوست ۲۰۱۲، سال نهم، شماره پیاپی ۱۶۰۰، شماره ۶۷۶ دوره جدید، ۱۲صفحه+ ۲۲ صفحه ضمیمه

برداشت آخر

و در جایگاه دوم بعد از برنده طلا می‌ایستند، معمولا دچار افکار آزارنده‌ای می‌شوند؛ «اگر فقط کمی بیشتر تلاش می‌کردم...»، «اگر شانس کمی هم با من یار بود...»، «چه می‌شد اگر من هم مثل آنها این‌همه امکانات داشتم...» و خلاصه کلی چرا و اگر و باید و شاید دیگر در ذهن قهرمان دوم جولان می‌دهد. این در حالی است که افرادی که مدال برنز را دریافت می‌کنند و در جایگاه سوم می‌ایستند، معمولا بسیار خوشحال‌ترند و به این موضوع فکر می‌کنند که چه خوب شد که حداقل مدال گرفتم!

برای مثال «برندن هنسن» آمریکایی، برنده مدال برنز شنای پروانه ۱۰۰ متر مردان المپیک امسال، در پایان مسابقه و با دریافت مدال خود گفت: «این درخشنده‌ترین مدال برنزی است که می‌توانید در کل زندگی‌تان ببینید! در کل زندگی‌تان!» رسیدن به جایگاه برندگان برای وی بسیار شیرین بود. شیرینی مدال وی را وقتی بیشتر درک می‌کنیم که بدانیم وی در المپیک گذشته که در پکن برگزار شد، چهارم شده بود و هیچ مدالی به دست نیاورده بود. در مقابل، افرادی مانند «ویکتوریا کومووا»، برنده مدال نقره ژیمناستیک ۲۰۱۲ از کشور روسیه هستند که وقتی متوجه شد باید روی سکوی دوم بایستد، بسیار ناراحت شد.

اما به راستی چرا این‌گونه است؟ روانشناسان می‌گویند دلیل این موضوع در رقابتی که به کسب این مدال‌ها منجر می‌شود، ریشه دارد. معمولا برندگان مدال‌های طلا و نقره در آخرین بازی مشخص می‌شوند و تیمی که مدال نقره را می‌برد، به هر حال آخرین بازی با بازی فینال را باخته و طبیعی است که ناراحت باشد، اما برنده مدال برنز، مدال خود را در بازی نیمه‌نهایی به دست آورده است یعنی در آن بازی برنده شده بود و طبیعی است که از برنده شدن خود بسیار خرسند باشد؛ به‌ویژه می‌دانست باخت در این رقابت، پایان همه‌چیز است.

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



شرق دور

چینی‌ها این بار «سریال» کپی کردند

شرق: چینی‌ها نشان داده‌اند که همه چیز قابل تقلید است. از مدل گوشی‌های موبایل گرفته تا سریال‌های تلویزیونی. به‌تازگی مجموعه تلویزیونی در تلویزیون چین در حال پخش است به نام (Ipartment) که کپی مو به مویی از سریال دوستان (friends) است. البته کپی‌برداری از مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های هالیوودی موضوع تازه‌ای نیست و در ایران هم سابقه داشته است. اما نکته قابل توجه در این مجموعه تلویزیونی چینی این است که تعدادی از تماشاگران سریال چینی «آپارتمان» تاحدی از این شباهت‌ها شگفت‌زده شده‌اند و در صفحات شبکه‌های اجتماعی اعتراض کرده‌اند آیا این سریال فقط برای افرادی ساخته شده که پس از ۱۹۹۰ به دنیا آمده‌اند.

از طرفی بسیاری از تماشاگران این سریال پربیننده چینی آن را منتهم به سرقت ادبی از سریال «دوستان» و دیگر سریال‌های موفق کمدی آمریکایی کرده‌اند. در حال حاضر سومین فصل «آپارتمان» در حال پخش است، سریال داستان گروهی جوان بیست و چند ساله است که در مجمعی مسکونی در شانگهای زندگی می‌کنند. یکی از شخصیت‌های سریال مثل شخصیت راث در «دوستان» استاد دانشگاه و دیگری مثل جویی مجری برنامه رادیویی است.

پخش سریال از سال ۲۰۰۹ شروع شد، اما اخیرا آمار بینندگان آن به شدت رشد کرده است؛ چراکه چندین شبکه کابلی در چین نیز پخش آن را شروع کرده‌اند. با زیاد شدن تعداد مخاطبان مجموعه،

میراث «الویس پریسلی» چکش حراج می‌خورد

ایسنا: با گذشت ۳۵سال از درگذشت «الویس پریسلی» تعداد زیادی از اشیای متعلق به این خواننده اسطوره‌ای به ارزش کلی بیش از ۳۰هزار دلار چکش حراج می‌خورد. به گزارش آرت دیل، حراجی بزرگ «میراث» روز ۱۴اگوست بیش از ۳۰۰شیء متعلق به این هنرمند را در معرض فروش قرار داد. یکی از پوسترهای کمپاب کنسرت سال ۱۹۵۵ الویس پریسلی از مهم‌ترین آثار این حراجی محسوب می‌شود. ارزش این تکه کاغذ بیش از هفت‌هزار دلار تخمین زده شده است. سه‌کاهی طلا، گردنبند نقره و فیروزه و حلقه الماس از این خواننده معروف نیز از دیگر آثار مورد توجه این حراجی هستند.

تولدی دیگر

به بهانه زادروز «محمود درویش» شاعر بزرگ فلسطین

فکرش را می‌کردی محمود!

رضا عامری



■ «پیروز شدیم که زنده بمانیم و نمیریم... پیروز شدیم تا بگویم صلح روی این زمین خاکی امکان‌پذیر است.» (محموددرویش)

محمود درویش با تولد اسرائیل متولد شد... و هر چند زندگی‌اش را در دامان حکومتی غاصب و به شیوه‌ای فلسطینی در اوراگی و تبعید و تنش با مرگ گذراند... اما خواهان مرگ اسرائیلیان نبود...او در اندیشه جهانی انسانی بود، جهانی فراتر از تاریخ و جغرافیا. جهانی که فاصله‌های طبقاتی و قومی و نژادی را کُتر بزند و انسان‌هایش کنار هم عاشقانه زندگی کنند... پس در محدوده فلسطین باقی نماند و دنبال تجربه و شناخت جهان در کلیت‌اش رفت و در چنین نقطه عطفی «مرگ» را دوباره کشف کرد. کشف کرد دنیا را قدرت‌ها و تاجران اسلحه و سرمایه می‌گرداندند... کشف کرد بیماری سنت در ماست و هنوز از آن کنده نشده‌ایم... و فهیمد تاریخ ما چیزی جز انتقال فقدان‌ها و مرگ‌ها نبوده است... اما چنگید تا به «شعر» این فقدان‌ها را پر کند... پس مبارزه کرد و از جان خود کند و در کلمات ریخت... و مثل عاشقی ساکن و مسکون شعر شد... تا جهان را بیشتر بشناسد.

او مثل هر انسان دیگری می‌خواست جهان را بشناسد... اما شکست می‌خورد... و از میانه همین شکست‌ها بود که آموخت اخلاق (رباب/ بندگی جهان را باید فرو گذاشت... باید دنبال فراموشی بود، نه کینه‌توزی... می‌خواست فراموش کند اما دردهای خود و نیاکنش آنقدر بود که نتوانست... و در بخوحه برادر کشی‌های فلسطینیان در جنگ غزه جهان را وداغ گفت... و جهان همچنان بر مدار خود بود و کینه‌های انسانی در خاورمیانه قربانی‌های بیشتری می‌گرفت... و محمود فکر می‌کرد چرا جهان در زهدان خود این همه مرگ به ودیعه گذاشته است... و محمود فکر نمی‌کرد گفت‌وگوی میان یک ملت به نزاع‌هایی از این گونه ختم شود... فکر نمی‌کرد هزاران انسان در سומالی از گرسنگی بمیرند در حالی که می‌توانستند از پی‌مانده زیاله‌های یکی از کشورهای به اصطلاح جهان اول زنده بمانند... فکر نمی‌کرد «انسان برهنه» این همه بی دفاع و منکوب شده باشد... فکر نمی‌کرد هزاران انسان در عراق کشته شده باشند، به این بهانه که کشورشان سلاح‌های اتمی داشته است! (و حالا که خود آمریکایی‌ها برابر اسناد موضوع را یک دروغ جعلی برای اشغال عراق می‌دانند... چه کسی محاکمه شده، چه چیزی جز حرف و سیاست مبادله شده است؟)...

محمودا همه‌چیز جهان ما را به چرخیدن درون این تکه‌کشان مصرف و جنگ فرا می‌خواند... گویا نظام زیست انسان با نظام دیگری مبادله شده است... موشک‌ها و بمب‌ها مثل تصویرهای تبلیغاتی در عرض چند ثانیه به انسان می‌رسند... انسان جهانی شده است... المپیکی شده است... شده است یک انسان دهکده جهانی منادی فرهنگ کوکاکولا تا مک‌دونالد... و فرهنگ تا دهان تا شکم امتداد یافته است... و دیگر نه صدای شعر و شور که صدای صنعت فرهنگ و استیضاح سلطه بلند است. تا انسان له شده و از خود بیگانه، از شنیدن صدای ضمیر و شعر دست بکشد... و عقلانیت‌اش را اجیر سازندگان سلاح و سرمایه کند... تا فلسطین‌های دیگری و «واره/ پناهنده»‌های دیگری ساخته شود... تا مبادله مرگ کنند... تا رازیهای «محمود درویش» خاکستر شوند.



مرگ مولف

شاعر «خروس مرده بر می‌خیزد» درگذشت

■ صمد تیمورلو -شاعر- روز پنجشنبه در سن ۴۴سالگی درگذشت به گفته تیمورلی، از بستگان صمد تیمورلو، این شاعر که یک هفته در کما به سر می‌برد در ۲۰ مرداد از دنیا رفت. او افزود، تیمورلو از چهارشنبه ۱۱ تیر به علت حمله قلبی پس از اینکه عمل جراحی را پشت سر گذاشت، وضع جسمی‌اش حاد شد و به کما رفت. تیموری یادآور شد: صمد تیمورلو سه ماه پیش به دلیل سرطان کلیه مورد عمل جراحی قرار گرفت و بخشی از کلیه او برداشته شد. پیکر این شاعر شبیه ۲۱مردا ساعت ۱۰ صبح از مقابل غسلخانه بهشت‌زها (س) تشییع می‌شود. از صمد تیمورلو که متولد سال ۱۳۴۷ است تاکنون مجموعه‌های شعر «بیرون تعریف نشده است»، «ز کاغذ سفید به کاغذ سیاه»، «به نام کسی که در تاریکی‌ست»، «قلل‌ات آنجا نیست» و «خروس مرده برمی‌خیزد» منتشر شده است.

برش از اخبار

انتقال سازه پشت‌بام تئاتر شهر به تالار وحدت

خبر خوانه‌ها دانست و خاطرنشان کرد: نیت‌خبر خوانه‌ها بود. البته پشت بام تئاتر شهر برای این کار مناسب نبود چون پشت‌بام است و احتمال هر اتفاقی هست بنابراین حتما باید این سازه جمع‌آوری شود.

مدیر اداره کل هنرهای نمایشی، ایده ساخت این سازه را به لحاظ گسترش فضاهای تئاتری با امکانات، اندک، ایده‌ای خوب توصیف کرد و ادامه داد: با این ایده با حداقل امکانات می‌توان سالن درست کرد به همین دلیل هماهنگ کردیم تا این سازه در مجموعه تالار وحدت نصب شود، اگر این کار جواب داد همه شرایطش را فراهم می‌کنیم تا در شهرستان‌ها هم چنین سالن‌هایی ساخته شود. به گفته قادر اشما، قرار است این سازه به پارکینگ روبه‌روی تالار وحدت منتقل شود.

ایسنا: «قادر آشنا» مدیر اداره کل هنرهای نمایشی از انتقال سازه‌اش که بر پشت‌بام تئاتر شهر نصب شده است به پارکینگ تالار وحدت خبر داد. قادر آشنا گفت: آقای موسوی مدیر تئاتر شهر از باب دلسوزی و برای اضافه کردن یک فضا به فضاهای تئاتری کشور با ساخت و نصب این سازه موافقت کرده و کارگردانی هم بر حسب ذوق و سلیقه خودش این بنا را ساخته است. زمانی که ساخت این سازه را به من اطلاع دادند، دو شرط گذاشتم.

اول توجه به بنای ساختمان و دیگری جایگاه ساختمان که آیا بنای تئاتر شهر این اجازه را می‌دهد که چنین سازه‌ای بر آن نصب شود و همچنین به لحاظ جایگاه نیز آسایی به آن زده نشود.

آشنا، ساخت و نصب این سازه را براساس نیتی

دکه

سی‌امین «۲۴» آمد

«محمد رسول‌الله» منتشر شده است. موضوع این پرورنده، بخشی درباره تولید فیلم مذهبی با تمرکز بر یک نمونه کلاسیک: «محمد رسول‌الله» است و به همین دلیل علاوه

بر چند یادداشت، به‌حواشی ساخت و پخش جهانی «محمد رسول‌الله» و اکران آن در ایران پرداخته شده و گفت‌وگوهایی با مجید انتظامی، سیدمحمدبهشتی و علیرضا صدابور نیز انجام شده است. در بخش سینمای دنیای جدیدترین شماره ۲۴ علاوه بر پرورنده تیم برتون مجموعه مطالبی درباره فیلم‌های روی پرده و خبرهایی درباره فعالیت‌های جدی،

سینماگران جهانی منتشر شده است. سی‌امین شماره این نشریه هم‌اکنون با قیمت ۲۵۰۰ تومان روی دکه‌های روزنامه‌فروشی است.



بخش‌های این پرورنده هستند. در بخش سینمای ایران شماره جدید «۲۴» علاوه بر بررسی فیلم‌های روی پرده و معرفی فیلم‌های در حال ساخت، پرورنده‌ای درباره فیلم خاطره‌انگیز